

17 جولای 2017

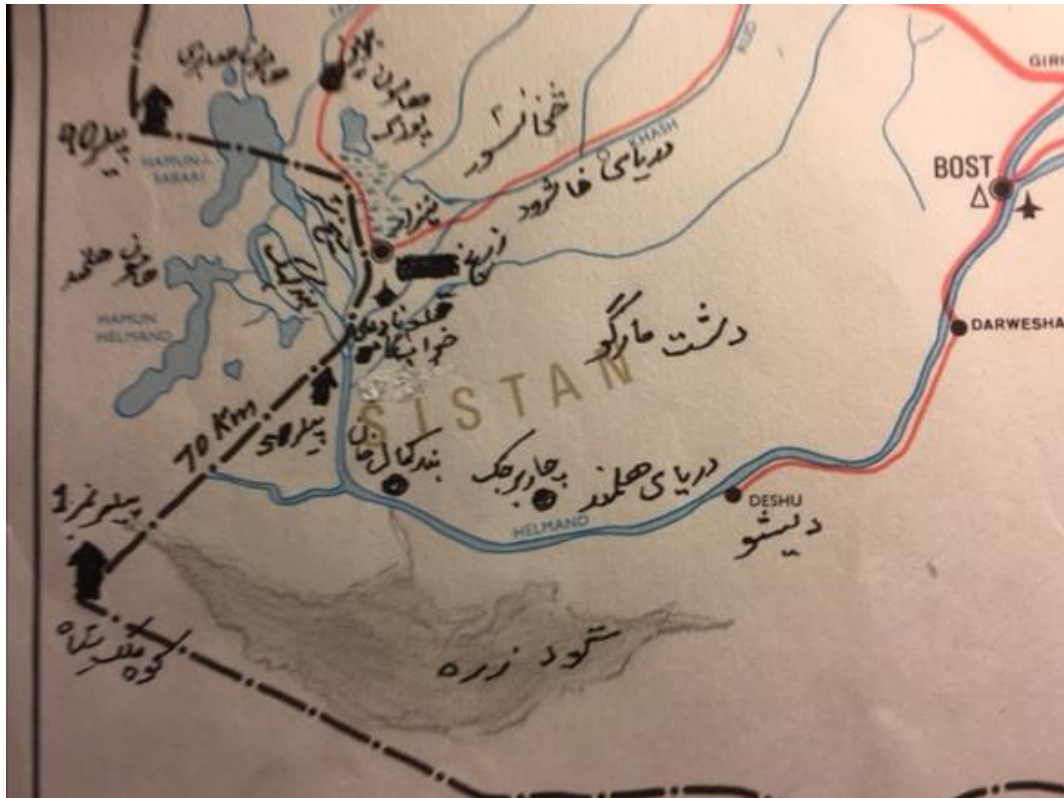
داکتر سید عبدالله کاظم

بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران (بخش ششم)

ادامه مبحث چهارم

حکمت مکماهون: معضله تعیین سرحد و تقسیم آب

حکمت مکماهون در مورد تعیین حدفاصل سرحد بین ایران و افغانستان مبتنی بر حکمت گولد سمید، طوریکه قبلاً ذکر شد، با وجود اختلاف کوچک در یک ساحه با قبولی امیر حبیب الله خان سراج الملة رسمیت پیدا کرد، اما در موضوع تقسیم و تثبیت حق آبه مشکلاتی پدید آمد که جنجال آن برای سالهای متمادی مورد جر و بحث دولت های افغانستان و ایران قرار گرفت. قبل از آنکه به موضوع حکمت مکماهون در موضوع آب رود هلمند پرداخته شود، لازم است تا مختصر درباره حدفاصل سرحدی اشاره گردد و با ارائه یک نقشه نقاط مهمه آن نشان داده شود.



د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوسی

در نقشه فوق طوری که دیده میشود، سرحد بین افغانستان و ایران که در ناحیه سیستان بوسیله مکماهون تعیین و علامه گذاری گردید، در قسمت جنوب از کوه ملک سیاه با نشانی (پیلر نمبر 1) آغاز و بطور مستقیم بطرف شمال شرق تا (پیلر نمبر 50) به فاصله تقریباً 70 کیلومتر امتداد یافته و از آن به بعد در حصه خوابگاه و حواشی نادعلی بطرف شمال رفته که به سمت غرب آن در خاک ایران بند کهک قرار دارد و در ادامه چند نهر دیگر اعمار شده و خط فاصل پس از گذشتن از کنار نیزارها بطرف شمال شرق میلان نموده و با عبور از وسط هامون صابری به سیاه کوه رسیده که با علامت (پیلر 90) نشانی شده و از آنجا بطرف شمال امتداد یافته است. (خطوط سرخ: سرکهای پخته کاری را نشان میدهند که شاهراه هرات - قندهار را به زرنج مرکز ولایت نیمروز وصل میکنند)

وظیفه دوم مکماهون: تقسیم آب دریای هلمند بین دو کشور:

هیچ نوشته دیگری بهتر از اصل متن رسمی حکمیت مکماهون نیست که برآغاز این مشکل روشنی اندازد. لذا قبل از هر تبصره دیگر لازم است متن مذکور را به استناد رساله ای که متعاقب امضای معاهده نهائی آب دریای هلمند از طرف وزارت اطلاعات کلتور تحت عنوان "سوابق و اسناد موضوع آب از رود هلمند" بتاريخ 12 حمل 1352ش به نشر رسید، در اینجا بطور مکمل اقتباس کرد. این سند تاریخی که زیر عنوان "حکمیت مکماهون، صادره کهک، مورخ 10 اپریل 1905" قید رساله مذکور میباشد، زیر دو عنوان گنجانیده شده است: عنوان اول "مقدمه" حاوی ده فقره که در هر فقره معلومات مختصر درباره سوابق و معضلات موضوع تقسیم آب گنجانیده شده و عنوان دوم "حکمیت" مشتمل بر ده فصل است که نظر مکماهون را به حیث حکم ذیصلاح دربر دارد.

اقتباس متن رسمی حکمیت مکماهون درباره تقسیم آب:

مقدمه:

فقره اول - جنرال سر فریدریک گولد سمید بحیث حکم فی مابین افغانستان و ایران مؤظف بوده تا مسئله حقوق ایران و افغانستان را درباب زمین و آب سیستان قطع و فیصله نماید. معزی الیه قرارداد حکمیت خود را درباب هر دو فقره در سنه 1872م اظهار نمود و قرارداد مذکور به امضای وزیر امور خارجه پادشاه انگلستان و قیصر هندوستان رسیده از طرف دولتین افغانستان و ایران در سنه 1873م پذیرفته شد.

فقره دوم - در وقت قرارداد مذکور رودخانه هلمند در سیستان یک شعبه بزرگ توزیع آب یعنی رود سیستان را داشت که در محل انفصال آن از برای اینکه آب مکفی را گردانیده داخل این رود نماید، بند گزی هلمند معروف به بند "کهک" یا بند سیستان موجود بوده، رودخانه هلمند از آنجا جلوتر به یک مجرا رفته از نادعلی و به امتداد مجرائی که حالا به "سیخ سر" معروف است، به نیزار هامون داخل میشود. در 1896م سیلاب بزرگی که از مجرای قدیم نزدیک "شاه گل" جدا گردیده و این مجرای تازه اکنون به رود "پریان" معروف است.

فقره سوم - در اثر تغییراتی که در مجرای انهار و در مجرای رودخانه بزرگ اتفاق افتاد، در 1872م تنازعات مختلفه در باب آب فیما بین افغانستان و ایران بظهور رسید. از تحقیقاتی که کردند چنین معلوم میشود که تا چندی قبل مامورین مسئول طرفین یعنی حکام سیستان و چخانسور همیشه این منازعات را مابین خود شان دوستانه قطع و فصل می نمودند. این مامورین که احتیاجات آب یکدیگر

را بخوبی میدانستند، همواره در قطع و فصل منازعات ابراز کمال قابلیت و معرفت حسب دلخواه و رضائیت خاطر طرفین نموده اند.

فقره چهارم - حیف است که درین چند سال گذشته اخیر یا به جهت تغییرات مجرای بزرگ یا به علت کشیدگی در روابط طرفین، هرچه سبب باشد، معلوم گردید که قطع و فصل دوستانه مشکلات متعلقه به آب حالا صورت پذیر نیست. مابین سنوات 1900 و 1902م رشته مسائل آب پیدا شد که جزوی و بذات خود خالی از اهمیت بود، اما به علت کشیدگی روابط باعث غلط فهمی طرفین و مزید سوء ظن و مغایرت گردیده در آخر بواسطه کمی غیر عادی آب هلمند در سنه 1902م مشاجراتی به میان آمده کار بوضع نازک رسید و منجر به رجوع به حکمیت حالیه دولت انگلیس گردید.

فقره پنجم - شرطی که در تحت آن دولتین افغانستان و ایران حکمیت حالیه را قبول نموده اند، این است که قرارداد این حکمیت بروفق مقصود قرارداد جنرال سر فریدریک گولد سمید باشد. [درینجا مقصد از قرارداد همانا نظرسی یا به عبارت دیگر "فیصله نامه" است]

فقره ششم - لهذا در تشکیل قرارداد، خودم مقید به شرط مذکور میباشم.

فقره هفتم - قرارداد سر فریدریک گولد سمید در باب مسئله آب این قرار بوده، این جمله را باید صریحاً دانست و فهمید که "هیچکدام از طرفین نباید اقدامی به حدوث بنائی نماید، به منظور اینکه در آبی که برای زراعت هر دو طرف رود هلمند لازم است، مداخله کرده باشند." علاوه بر آن وزیر امور خارجه پادشاه انگلستان و قیصر هندوستان به حیث امضا کننده نهائی حکمیت بعد از مشورت با جنرال سر فریدریک گولد سمید در سنه 1873م مقرر نمود که فقره مندرجه فوق نباید به انهار دایره و موجوده یا انهار قدیمه و پایره و متروکه که تعمیر واجب و احداث آنها مطلوب باشد، راجع و مفهوم شود و نیز مانع حفر انهار تازه نمیشد، مشروط بر اینکه آب لازمه هر دوکنار کم نشود.

فقره هشتم - قرارداد فوق بطور واضح است که هیچ لزومی ندارد توضیح آن بشود، مگر دریک نکته مخصوص یعنی چونکه حکم آن قرارداد این است که ایران حق دارد مقدار آبی را که برای مشروب نمودن زراعت لازم باشد، حاصل نماید. محض رفع اشتباه در آتیه فقط این مسئله باید توضیح بشود که از برای احتیاجات ایران چه مقدار آب لازم و مکفی تصور شود.

فقره نهم - از قرار پیمایشات و معاینات دقیق و تحقیقات عمیق این کمسیون در سیستان مطالب ذیل را واضحاً مشخص و معین گردید:

الف - سیستان نسبت به قلت آب در زمان کثرت آب بیشتر صدمه میخورد. نسبت به صدمه ای که از احتیاج و ضرورت آب برای مشروب نمودن زراعت میرسد، صدمه ای که به زمین و به حاصل، سال به سال از سیلاب میرسد، خیلی بیشتر است.

ب - در سیستان مسئله کفایت آب فقط در سالهای استثنائی و غیرنورمال برخاسته است و در آن سالها خاک ایران با خاک افغان علی السویه صدمه خورده است. علاوه بر آن مسائل کفایت آب فقط آن وقت اهمیت دارد که راجع به زراعت بهار باشد، در وقتیکه آب رودخانه از همه اوقات کمتر است یعنی مابین میزان پائیز و نوروز. با وجود این محقق و معین گردیده است که در عرض 35 سال گذشته فقط در سه سال در آن موسم آب در سیستان به اندازه جدی کم شده است. علیهذا لازم است که اولاً به احتیاجات آب در موسم زراعت بهار تعمق بشود، زیرا فیصله ای که مبنی بر احتیاجات آن فصل باشد به بقیه سال هم مناسب خواهد داشت.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

ج - بعد از محاسبه مقدار عادی رودخانه هلمند با دقت تمام در عرض مدت فیما بین موقع اعتدال شب و روز پائیز و نوروز واضحاً محقق شده است که یک ثلث آبی که حالا به سیستان در بندر کمال خان میرسد، برای آبیاری مناسب ساحات تحت کشت موجوده سیستان ایرانی خیلی کافی بوده و همچنین توسعه آینده ساحات وسیع زراعتی توسط آن گنجایش دارد و برای احتیاجات افغانی مقدار مقتضیه آب را هم می گذارد.

فقره دهم - علیهذا قرارداد حکمیت خود را از قرار ذیل ابراز مینمایم:

حکمیت :

فصل اول - نباید هیچگونه ساختمان آبیاری که موجب مداخله در مقادیر آب مقتضیه آبیاری هر دو ساحل رودخانه تلقی شود، در هر دو ساحل رودخانه صورت گیرد. اما هر دو طرف حق دارند در خاک خود شان انهار موجوده را دایر داشته باشند و انهار قدیمه و بایره و متروکه را دایر و جاری نمایند و نیز از رودهیرمند انهار جدیده را احداث بکنند، مشروط بر اینکه مقدار آب مقتضیه آبیاری طرفیم کم نشود.

فصل دوم - مقدار آب مورد ضرورت آبیاری زمین های ایران که از بند کهک یا پائینتر از آن آب میگیرد، یک ثلث جمع آب رودخانه هلمند میباشد که داخل سیستان میشود. آن سیستان که حکمیت جنرال فریدریک گولد سمید راجع به آن است، مشتمل بر تمام زمین ها است که به هر دو طرف هلمند از بندر کمال خان و پائینتر واقع است.

فصل سوم - بنابراین ایران مستحق است بریک ثلث مجموع رودخانه هلمند. این مقدار از نقطه ای محاسبه میگردد که از آن برداشت آب برای آبیاری زمین های هر دو کناره واقع در بندر کمال خان یا پائینتر از آن موقعیت دارد.

فصل چهارم - در احداث بناها یا انهار از جانب افغانستان برای گرداندن آب، برای زمین های سیستان، چنانچه در فوق مشروح شد، باید ملاحظه این امر بشود که اقلأ یک ثلث جمع آب رودخانه هلمند برای استعمال ایران به بند کهک برسد.

فصل پنجم - به مقصد اطمینان و خاطر جمعی هر دو طرف که با این قرار داد درست عمل میشود، و نیز برای رفع ضرورت به مراجعات جدیده به دولت انگلیس و رفع مصارف اعزام هیئت های مخصوصه، صاحب منصب انگلیس که مهندس باتجربه باشد، بالاستقرار شامل اجزای قونسلخانه دولت انگلیس در سیستان خواهد بود و صاحب منصب مذکور صلاحیت خواهد داشت که هر وقت از طرفین یکی اظهار خواهش نماید، در قضیه مشتبّهه یا متنازع فیها که در باب مسائل آب اتفاق افتد، رأی خود را اظهار نماید و هر وقت که لازم باشد، اقدام نموده حقیقت واقعه را برساند به استحضار دولتی که مسئله به آن تعلق داشته باشد و نیز خواهد توانست توجه آنطرف یا اینطرف را معطوف نماید بظهور علامات مهم خطری که نسبت به مقدار آب شان محتمل باشد، بواسطه اسباب طبیعی یا احداث کارهای آبیاری خود شان. محض اینکه صاحب منصب مذکور بتواند بطور مناسب از عهده فرایض مأموریت خود برآید، طرفین معزی الیه را خواهند گذاشت که بلامانع و به کمال آزادی به رودخانه هلمند و شعبات آن رود تا سر نهرهای که از آنها جدا میشود، راه داشته باشد.

فصل ششم - بقاء و حفظ بند کهک از برای رفاه سیستان ایرانی اهمیت کلی دارد. بعید از امکان نیست که از گودشدن رودخانه در محل بند موجوده و پائینتر از آن اگر لازم بیافتد که بند از آنجا منتقل شده

از محل حالی یک کمی بالاتر بسته شود، در صورتیکه این لازم باشد. افغانستان باید ایران را بگذارد که محل این بند را تغییر بدهد و به ایران این حق را منظور بدارد که نهری را که به فاصله کمی از چنین بند تازه الی رود سیستان لازم باشد، در خاک افغانستان حفر نماید.

بالسویه اگر لزوم بهم برساند که افغانستان بند موجوده شاه گل را که بعرض رود پریان بسته است، حرکت داده قدری پائینتر ببرد، نگاه ایران باید چنانچه قبل ازین قبول کرده است، افغانستان را در این بند تا به مجرای نادعلی حق احداث نهری را در خاک ایران بدهد.

فصل هفتم - این نقطه در نظر خواهد بود که حقوقی که درباب رودخانه هلمند، وضع جغرافیای افغانستان طبعاً به حیث ملکیت هلمند علیا، به او میدهد، بنابر حکمیت جنرال سر فریدریک گولد سمید به منفعت ایران به اندازه مندرجه فوق مقید شده است. پس نتیجه آنست که ایران حقی ندارد، حقوق آبی را که با این طریق حاصل نموده است، بدون رضایت افغانستان به دولت دیگری منتقل نماید.

فصل هشتم - نمی توانم این قرارداد را بدون یک کلمه تحذیر (وارننگ) به هردو دولت متعلقه ختم نمایم: از احوالات تاریخی رودخانه هلمند در سیستان معلوم میشود که رودخان مذکور همیشه اوقات متحمل تغییرات ناگهانی و مهم در مجرای خودش بوده است و تغییرات مذکوره وقت بوقت تمام رودخانه را به مجرای تازه گردانده، جمیع انهار دایره آنوقت را بایر نموده است. امکان دارد همچنین تغییرات در آتیه هم به وقوع برسد. علیهذا در احداث نهرهای تازه و توسیع انهار قدیمه که از هلمند جدا میشود، باید دقت و احتیاط تمام مصرف شود. اگر احیاناً اقدام به این کار با احتیاط لازم نشود، احتمال دارد که کار منجر به این شود که رودخانه را در چنین نقاط بکلی گردانیده باعث خرابی زیاد هردو مملکت بشود، احتمال این خطر به ایران و افغانستان هردو بالسویه میرود. [پایان حکمیت] (برگرفته از رساله "سوابق و اسناد موضوع آب از رود هلمند" نشریه وزارت اطلاعات کلتور، چاپ اول، کابل 12 حمل 1352، صفحه 6 تا 11)

اتخاذ موقف جانبین درباره حکمیت مکماهون:

متن ذیل در رساله "سوابق و اسناد موضوع آب از رود هلمند" متعاقب نشر حکمیت مکماهون تحت عنوان فوق (صفحه 12) درج گردیده است:

«طی نامه چهارم رمضان 1323 قمری (مطابق 1905) امیرحبيب الله خان سراج الملة و الدیت، به عنوان ویسرای هند اطلاع داد که جمیع فقرات تجویز و فیصله کرنیل مکماهون را امضاء و قبول نموده است، الی اینکه فصل پنجم قرارداد مذکور و نقضی به ملاحظه میرسد و آن عبارت است از: تفصیل مزید راجع به گردش کردن مهندس (متذکره فصل پنجم) که تاکدام تا بند و کجا و جای سکونت او بکدام زمین و به چه عنوان خواهد بود و بالاخره توضیح اینکه به افسر انگلیسی اجازه داده شود تا بند کمال خان گشت و گذار نماید. فقره پنجم مورد موافقت سراج الملت والدین واقع نگردید و نتوانست آنرا امضاء و قبول نماید.

دولت ایران عدم قبول خود را به حکمیت مکماهون با ارانه این دلیل که حاکمیت مذکور براساس حاکمیت گولد سمید نیست، به برتانیه اطلاع داد.....»

هدف از توضیحات مندرج فصل پنجم حکمیت در مورد ضرورت و لزوم موجودیت یک مهندس انگلیسی برای بازرسی دائمی از سرحد و آزادی گشت و گذار او در آن ساحات سرحد روشن بود و

امیرحبيب الله خان خواست برای رد این پیشنهاد دلیلی را اقامه کند و از قبول آن ابا ورزد، اما ویسرای هند بتاريخ 18 می 1905 مفاد فصل پنجم را طوری وانمود کرد که مهندس انگلیسی بصورت دائمی در نصرت آباد سیستان برای این وظیفه مستقر خواهد شد. امیر افغانستان در جواب ویسرا بتاريخ 11 آگست همان سال نوشت: «در صورتیکه قرارداد غیررسمی گولد سمید مدت 35 سال بدون منازعات طرفین قبول شده بود، با آنکه مکماهون به زحمات زیاد فیصله مکمل رسمی کرده چه معنی دارد، خطر نزاع باید درصد سال واقع نشود، اگر میشود به تحریک محرک خواهد بود و برای این تحریک ادعا خواهد داشت. باز هم اگر منازعات شود و ضرورت ثالثی شود به قرار سررشته گذشته اطلاع داده خواهد که ملازمت دولت هند حاضر بالای کار ثالث خود شود. احتیاط دوستدار [امیر] به اجازه ندادن به تردد آزاد برای ملازم فقط از نقطه احتیاط است که درباره اقوام افغانستان و بی تهذیبی شان دارم که حرکت نامناسبی نسبت به آن نشود.» (وحید مزده: "روابط سیاسی ایران و افغانستان در قرن بیستم"، انتشارات میوند، کابل، 1389، صفحه 22)

البته احتمال "بی تهذیبی" افغانها در برابر انگلیسها در حقیقت ناشی از همان عقده هایی بوده که افغانها از مدتها قبل در برابر تهاجم انگلیس برکشور داشتند و اما امیر میدانست که هدف اصلی از حضور یک افسر انگلیسی همانا دامن زدن به اختلافات بین افغانستان و ایران و تحریک آنها در برابر یکدیگر و استفاده سیاسی انگلیس برای بقای شان در منطقه بود.

به همین ترتیب دولت ایران نیز با دلیلی اینکه حکمیت مذکور موافق به حکمیت گولدسمید نیست، از قبول حکمت مکماهون ابا ورزید و علاوه کرد که این حکمیت صرفاً باید محدود به حل مسئله آب و استفاده از آب هیرمند می بود و نیز از اینکه به موجب این حکمیت دوثلث آب آن دریا به افغانستان و یک ثلث به ایران تعلق گیرد، دلیل آن برای دولت ایران مشخص نمیشد و تعیین یک مهندس دائمی انگلیسی برای نظارت بر اجرای این حکمیت منطقی و موجه پنداشته نمیشود.

با این ترتیب موضوع حکمیت مکماهون در مورد تقسیم آب رود هلمند از طرف هر دو کشور افغانستان و ایران رد گردید و موضوع اختلاف در زمینه پابرجا ماند.

(ادامه دارد)